

# سیر تطور تفسیر علمی قرآن کریم در بستر تاریخ (سده‌های ۶ تا ۸ هجری قمری)

دکتر محمدمهدی مظاهری\*

جمیله بهرامی\*\*

## چکیده

تفسیر علمی، گونه‌ای از تفسیر است که در تطبیق دانش بشری با آیات قرآن کریم حاصل می‌گردد. گرچه با پیشرفت علوم تجربی در دوران معاصر با رشد چشمگیری در تفسیر علمی، توسط دانشمندان اسلامی مواجه هستیم، اما این نوع تفسیر، ریشه در تاریخ اسلام دارد. که با آغاز فتوحات و گسترش اسلام و شروع نهضت ترجمه و اختلاف مذاهب و فرقه‌ها و کشمکش‌های کلامی، به موازات پیشرفت جامعه اسلامی رشد نمود. اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم قمری، محمد غزالی، اندیشه علمی‌نگری به قرآن را مطرح نمود. نظریه‌پردازی علمی به قرآن غزالی، باعث گردید که مفسرانی، مانند فخررازی به منصف ظهور برسند. رازی تفسیری به نام مفاتیح‌الغیب را تألیف نمود و عملاً اندیشه‌های غزالی را در آیاتی که اشارات علمی داشتند به کار گرفت. وی تفسیری پرحجمی نگاشت و انواع علوم تجربی در عصر خویش اعم از هیئت، نجوم، طب و ... دیگر فرضیه‌های علمی را در تفسیرش آورد. ولی شیخ طبرسی صاحب تفسیر مجمع‌البیان با احتیاط با تفسیر علمی برخورد نمود. گرچه در مواردی استنادات علمی را در تفسیرش آورده است. اما ابن ابی‌الفضل مرسی، سعی کرد که وجود همه علوم و فنون مختلف را در قرآن اثبات کند که برخاسته از نظریه است که همه علوم و معارف در قرآن وجود دارد.

\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی.

\*\* فارغ‌التحصیل کارشناسی‌ارشد رشته علوم قرآن و حدیث.



در این مقاله سعی نمودیم که نگاهی بر سیر تاریخی این گرایش تفسیری داشته باشیم. البته ضرورت اطلاع‌رسانی و معرفی آثار تدوین شده قرآنی در سده‌های گذشته و معاصر جای بحث و گفتگو ندارد اما باید توجه نمود که تحت لوای دفاع از حریم قرآن (به عنوان معجزه علمی قرآن) ضربه به قرآن زده نشود و حریم قرآن از تفسیرهای به رأی غیرمجاز سالم بماند.

## واژگان کلیدی

تفسیر، علم، سیرتطور، اعجاز علمی، تفسیر علمی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

سال سوم، شماره هفتم، پاییز ۱۳۸۱



## طرح مسئله

قرآن معجزه جاویدان اسلام و سند حقانیت این دین حنیف است. کتاب هدایت است، هدایت انسان به سوی سعادت ابدی. لذا قرآن راهنمای انسان است و تضمین کننده سعادت وی در دنیا و آخرت.

قرآن سخن حق است. از زبان حق سخن می گوید و از زبان کسی صادر شده که عالم به اسرار و خفیات عالم هستی است. بنابراین گاه و بی گاه اشاراتی که جنبه هدف اصلی سخن را تشکیل نمی دهد از لایه لای سخن تراوش می کند و برخی از اسرار طبیعت را آشکار می سازد. اشارات علمی قرآن در عصر جاهلیت که از هرگونه علمی عاری بودند دلیل دیگری بر حق بودن این کتاب آسمانی است.

آنچه که در ابتدا به ذهن می آید استفاده از قرآن به عنوان یک قانون اساسی است که خداوند برای انسان ها تنظیم کرده و بر زبان پیامبر اکرم (ص) جاری ساخته و از آن زمان تاکنون با گذشت سده ها همچنان تازگی خود را دارد. چنانچه از امام صادق (ع) نقل شده است:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ لِرِمَانٍ دُونَ زَمَانٍ وَ لِلنَّاسِ دُونَ نَاسٍ فَهَوِ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (مجلسی ۲۸۰/۲) «خداوند متعال قرآن را برای یک زمان و برای یک دسته از مردم، قرار نداده است. قرآن در هر زمانی جدید، و برای همه مردم، تا روز قیامت جدید و نو است.»

می دانیم شناخت و فهم آیات قرآنی آثار گرانبهایی در زندگی انسان داشته و دارد و به حیات جامعه و فرد، روح و معنا می بخشد و این مطلب از همان آغاز توجه مسلمانان را به خود جلب نمود. آنان سؤالات خود را از نبی اکرم (ص) می پرسیدند و او به حکم خداوند تبیین قرآن را به عهده گرفت:

«وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ» (النحل/۴۴)

پس اولین مفسر خود پیامبر (ص) بود و دانش تفسیر در واقع از صدر اسلام شروع شد.

سیوطی در خاتمه کتاب الاتقان بخش قابل ملاحظه ای از آیات قرآنی را که به وسیله پیامبر اکرم تفسیر شد، با شرح و گزارش خود پیغمبر (ص) درباره آن آیات ضبط نموده است. در این بخش به ترتیب از سوره بقره تا پایان قرآن بسیاری از آیات تفسیر شده است که تفسیر آن از طریق روایاتی است که صریحاً آن را به پیغمبر (ص) منسوب می دارد. (سیوطی، الاتقان، ۲۸۰/۲)

تاریخ علم تفسیر نشان می دهد که رویکرد علمی تفسیر قرآن ریشه در سده دوم هجری دارد که در تحقیق به آن خواهیم پرداخت. ولی ظاهراً نوشته های مکتوب آن در نوشته های بوعلی سینا از سده چهارم هجری پیدا شده است. (رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۲۹۳)

همزمان با سده پنجم هجری زمانی که نهضت ترجمه در جامعه اسلامی با ترجمه آثار یونانی به عربی آغاز شد، کم کم این نوع تفسیر رواج یافت.

اما مبحث تفسیر علمی در جریان تاریخ از سده ششم قمری رنگ تازه ای به خود گرفت. هنگامی که برخی از دانشمندان به این نظریه متمایل شدند که همه علوم در قرآن وجود دارد و می توان علوم



گوناگون را از قرآن کریم استخراج کرد. و شاید بتوان گفت که بسیاری از علمای اسلام در گذشته و هم در عصر حاضر معتقدند که قرآن حاوی دقیق ترین مسائل علمی جهان مادی و اسرار آفرینش است و هر آنچه بشر در طول زمان با زحمات فراوان کشف کرده و در آینده نیز کشف خواهد کرد، همه و همه در قرآن وجود دارد. در این مورد غزالی سرآمد بود. به یاری پروردگار به بررسی این دوره خواهیم پرداخت.

### تعریف تفسیر علمی

برای تفسیر علمی تعاریف گوناگونی ارائه شده است. (ذهبی، ۵۱۹/۲، معرفت، ۴۴۳/۲)

به عنوان نمونه، نظر علامه طباطبائی در این باره این است که: (المیزان، ۶/۱)

«و اختیار المذاهب الخاصه و اتخاذ المسالك و الآراء المخصوصه وإن كان معلوماً لا اختلاف الاظهار العلمیه أو الشیئی آخر کالتقالید و العصیبات القومیة و لیس هیئنا محل الاشتغال بذالك الا أن هذا الطريق من البحث أحرى به أن یسمى تطبیقاً لا تفسیراً»

«انتخاب آرا خاص در برابر آرا دیگران و پیروی از مسلک خاص آیا به خاطر اختلاف نظریات علمی است یا منشأ آن تقلیدهای کور کورانه از دیگران است؟ چون اینجا جای بررسی آن نیست. تنها چیزی که باید در اینجا بگوئیم این است که سزاوار است، نام این قسم بحث تطبیق نامیده شود نه تفسیر.»

روش تفسیر علمی قرآن مختلف است برای همین است که تعاریف متفاوتی از آن ارائه شده است. بنابراین هر مفسری که در این زمینه کارکرد است برداشت خود را در تفسیر آورده است البته آنچه مشخص است این است که بدانیم که فرق است بین استفاده از علوم تجربی در تفسیر آیات، با استفاده علوم تجربی به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی که در ضمن رعایت همه مقدمات تفسیر حاصل می گردد.

### علل پیدایش و گسترش تفسیر علمی در بستر تاریخ

با بعثت پیامبر اکرم (ص) مردم به فراگیری علم و دانش هم دعوت شدند و مسلمانان صدر اسلام به خواندن و نوشتن روی آوردند و پیامبر (ص) از هر فرصتی برای زدودن پرده جهل و آموزش آنان استفاده می کرد.

قرآن به عنوان معجزه جاوید با دعوت به تفکر در آیات الهی، تفکر در خلقت آسمان ها و زمین و ... انسان ها را به اندیشیدن وادار می نمود. در این راستا عده ای از دانشمندان اسلامی، تفکرات جدیدی را در حوزه تفسیر و انواع معارف دینی به وجود آوردند. در نتیجه، باعث گسترش تفسیر علمی شدند.

مهم ترین این عوامل عبارتند از:

الف) فتوحات اسلامی و گسترش جامعه اسلامی و آشنایی آنان با فرهنگ ها و علوم مختلف بیگانه

و ترجمه آثار علوم طبیعی به عربی

ب) رد مطالب باطل علوم بشری، جهت آگاهی و ارشاد مردم زیرا بسیاری از مبانی فلسفی و علمی یونان، که به مرور زمان وارد جهان اسلام شده بود، قابل خدشه و اشکال بود و با دین اسلام هم در تعارض بود.

ج) انطباق آیات قرآن با علوم تجربی

د) باور به تفکر رایج در نزد عده‌ای از اندیشمندان مسلمان که همه علوم در قرآن است. (اندیشه جامعیت قرآن نسبت به همه علوم بشری)

ه) گسترش روزافزون علوم تجربی در حوزه‌های مختلف کیهان‌شناسی، نجوم زیست‌شناسی، شیمی، و ...

و) رفع شبهه تعارض علم و دین در مکتب اسلام و دفاع دانشمندان مسلمان در این حوزه باعث شد که سازگاری آیات قرآن با علوم تجربی در بعضی از تفاسیر و کتاب‌ها وارد شود.

تفسیر علمی به طور عمده به سه دوره تقسیم می‌شود:

### دوره اول:

از اواخر سده اول هجری تا سده پنجم هجری

آنچه در جمع‌بندی تعاریف می‌توان گفت این است که:

که با ترجمه آثار یونانی به عربی و فتوحات اسلامی آغاز شد و دانشمندانی چون بوعلی سینا تلاش کردند که آیات قرآنی را گاهی یا نظرات علمی منطبق کنند. وی گرچه فیلسوف و طبیب متبحری بود اما از علوم طبیعی مانند نجوم و هیئت و ... اطلاعاتی داشت. (ذهبی، ۴۶۵/۲-۴۷۱ نمونه‌هایی از تفسیر ابن سینا را به نقل از رسائل وی آورده است)

### دوره دوم:

از حدود سده ششم قمری آغاز شد. و سرآمد همه، محمد غزالی است.

مفسران بزرگی مانند شیخ طبرسی صاحب مجمع‌البیان، فخررازی صاحب تفسیر کبیر، زمخشری صاحب تفسیر کشاف و ... آمدند و تحولاتی عظیمی در حوزه تفسیر به وجود آوردند.

### دوره سوم:

که اوج‌گیری تفسیر علمی و رشد فوق‌العاده آن می‌باشد، از آغاز سده ۱۸ میلادی با پیشرفت علوم تجربی در مغرب زمین، که آن هم، به علت ترجمه کتاب‌های فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، و ... به عربی بوده است بخصوص در سده اخیر، که موجب شد دانشمندان مسلمان در مورد انطباق قرآن با علوم تجربی

برآیند. مخصوصاً که تعارض علم و دین در اروپا مطرح گردید. و کلیسا هر روز به خاطر تعارض کتاب مقدس با علوم جدید، عقب‌نشینی می‌کرد هجوم این افکار به کشورهای اسلامی موجب جذب مسلمانان بخصوص جوانان به فرهنگ غربی می‌گشت. دانشمندان مسلمان برای دفاع از قرآن با توجه به سازگاری علم و دین از نظر اسلام به میدان آمدند تا نشان دهند که نه تنها دین اسلام با علوم جدید تعارض ندارد بلکه قرآن در مدت‌ها و سالیان قبل آن قواعد علمی را بیان کرده است.

### بررسی تاریخی در خصوص دانش تفسیر

همان‌طور که می‌دانیم رسول خدا (ص) خود نخستین کسی بود که مبین و مفسر قرآن بود. صحابه به آن حضرت مراجعه می‌کردند و آنچه را که فهمش برای ایشان دشوار بود از محضر ایشان می‌پرسیدند. قرآن کریم بر این مسئله تصریح دارد:

«و ما أنزلنا عليك الكتاب إلا لتبينَ لهم الذي اختلفوا فيه و هدى و رحمه لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (النحل/۶۴)

بعد از رحلت رسول اکرم (ص)، امام علی (ع)، این وظیفه الهی را برعهده گرفت.

امام علی (ع) نخستین فردی است که پس از پیامبر (ص) به تفسیر قرآن و تبیین معضلات و مشکلات تفسیری آن پرداخت. مقام وی در تفسیر بسیار ارزشمند و والاست به طوری که او را «صدر المفسری»، «امام المفسرین» عنوان داده‌اند. (عقیقی بخشایشی، طبقات مفسرین شیعه، ۱-۲۴۰) در این زمینه کتاب‌های متعددی نوشته شده است. (محسن‌الامین، ۳/۸۸، آقابزرگ تهرانی، ۴/۲۳۱)

همه می‌گویند که، دانش تفسیر، به صورت یک «علم مدون» از زمان علی (ع) شروع شد و بزرگان این علم سلسله اسانید خود را به او که باب مدینه علم پیامبر (ص) بود می‌رسانیدند. (مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، ص بیست، مقدمه)

نقش ابن عباس در دانش تفسیر غیرقابل تردید است. جایگاه علمی ابن عباس در تاریخ به اثبات رسیده است. (سزگین، ۵۷/۱، بروکلمان ۹۰/۱) ائمه معصومین (سلام‌الله علیهم) خصوصاً شیعه که قول آنان را حجت می‌دانستند در تفسیر نقش بسزایی داشتند. ائمه علیهم السلام برای تبیین آیات، تفسیر قرآن به قرآن می‌نمودند و از تأویلات دور از ذهن و نامناسب دوری می‌گزیدند. عقیقی بخشایشی نمونه‌هایی از تفاسیر ائمه از امام علی (ع) تا امام حسن عسگری (ع) را در کتاب خود آورده است. (طبقات مفسرین شیعه، ۲۴۰-۳۳۱)

دوره تابعین، مفسران معروفی در کوفه - مدینه - مکه - به منصف ظهور رسیدند. (عمیدزنجانی،

۶۸ حجتی، ۴۷)

از مشخصات این دوره، راه یافتن اسرائیلیات در تفسیر است. (ابن خلدون، ۴۳۹)

قبل از سده ششم قمری تفاسیر متعددی نوشته شد. از جمله، تفسیر طبری (۲۲۴-۳۱۰) است. (سیوطی، الاتقان، ۵۹۷/۱) استفاده او از چهار میلیون کلمه یعنی چهار برابرمجموع‌البیان طبرسی باعث



شده که تفسیر طبری از حجم زیادی برخوردار گردد. (کمالی دزفولی، ۴۷۸)

این تفسیر در سده چهارم قمری به دستور منصور بن نوح سامانی به فارسی ترجمه گردید. (مدرسی،

۴۳۴۲/۱)

در تفسیر طبری، تفسیر علمی به ندرت دیده می‌شود. وی بیش از هر چیزی به روایات توجه دارد. او آیه (۳۰/الانبیاء) بعد از آوردن ۱۳ روایت، معنایی علمی، از «رتق» و «فتق» ارائه می‌دهد.

(طبری، ۲۲/۱۰-۲۴)

در فاصله نه چندان دور، تفسیر تبیان اثر ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به شیخ طوسی

(۳۸۵-۴۶۸) یکی از تفاسیر شیعه، که در میان اهل سنت هم مشهور و مطرح است، تألیف گردید.

(سیوطی، طبقات المفسرین، ۸۰)

شیخ طوسی نخستین کسی است که تفسیر قرآن اجتهادی، همراه با نقد و بررسی در سده پنجم

نوشته است. سهم ایشان در تألیف کتاب‌های علوم اسلامی شیعه بسیار بزرگ و قابل ارجح است.

کتاب تهذیب و استیصار دو کتاب از کتب اربعه شیعه در حوزه حدیثی، و در علم الرجال، فهرست شیخ و در اصول، عدّه الاصول و در تفسیر، تبیان را نوشته است. وی، انگیزه تألیف تبیان را در کتابش

آورده است. طوسی (۱/۳)

شیخ گرچه صراحتاً به تفسیر علمی اشاره ندارد اما در موارد متعددی مباحث علمی را در حد دانش

زمان خود مطرح می‌کند.

مانند در تفسیر آیه «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» (البقره/۲۲). «

ابوعلی جبائی به این آیه استدلال کرده است که زمین مسطح است نه کروی. زیرا زمین با وجود

دریاها نمی‌تواند کروی باشد چون آب جز در جایی که دو جانب متساوی قرار دارد قرار نمی‌گیرد و اگر

یک ناحیه قسمت بلند باشد آب از ناحیه مرتفع به سمت پایین جاری می‌گردد. (طوسی، ۱۰۲/۱-۱۰۳)

سپس شیخ در مقام جواب می‌نویسد که: آیه مزبور دلالت بر گفتار وی ندارد. زیرا کسی که می‌گوید

زمین کروی است، منظور این است که مجموعاً به شکل کره است.» و همچنین در تفسیر آیات

۱۶۴/البقره والفاطر/۴۰ و سوره مبارکه حم سجده/۱۱-۱۵ و الرعد/۱۰-۱۲ و... (همان، ۵۸/۲ و ۱۲۵/۱ و

۱۲۸/۴-۱۲۹)

با بررسی آیات در تفسیر تبیان ممکن است که بتوان این نتیجه را گرفت که:

شیخ طوسی توانست که از رأی و استدلال، علاوه بر استناد به روایات استفاده کند. که گام نسبتاً

بزرگی در تفسیر اجتهادی می‌باشد. گامی که در سده‌های بعد به انواع تفاسیر (کلامی، اجتماعی، عرفانی، ...

و تفسیر علمی) منتهی گردید.

## سده‌های ششم تا هشتم قمری

استدلالات عقلی و ایجاد اختلاف در مباحث کلامی در سده پنجم قمری که آغاز اجتهاد در بین



دانشمندان اسلامی بوده، زمینه تفاسیر اجتهادی و متنوع و روش‌های مختلف تفسیری را در سده ششم قمری پدید آورد.

در سده ششم، تفاسیر متعددی نوشته شد که (ادنه وی، ۲۲۱) تعداد آنها را ۵۸ تفسیر می‌داند که در قسمت «فصل فی ذکر المفسرین من الائمه و المشایخ فی المائۀ السادسة» تفاسیر به جا مانده در این فاصله زمانی (۶-۸) با استقبال چشمگیر مواجه گشت که با گذشت سال‌ها تازگی و طراوت خود را برای دانش‌پژوهان قرآنی حفظ کرده است.

### «الکشاف»

مؤلف: جاراالله ابوقاسم محمد بن عمر زمخشری (۴۶۷ - ۵۳۸) (زرکلی، ۴۹/۳)

وی در اواخر خلافت عباسیان در خوارزم زندگی می‌کرد. خوارزم در آن زمان شهر علم و ادب بود. پس از تحصیلات اسلامی مدتی به بغداد و سپس به مکه می‌رود و در آنجا سکنی می‌گزیند. به همین دلیل به جاراالله معروف می‌شود. تفسیر کشاف را در اواخر عمرش در مکه می‌نویسد. (علوی مهر، ۲۵۱)

نام کامل کتاب «الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقوال» می‌باشد. روش مفسر، به اذعان همه محققان علوم قرآنی و خود نویسنده که در مقدمه به آن اعتراف می‌کند عبارت است از رویکرد تفسیر بیانی و ادبی؛ و با همین شیوه مباحث کلامی و انتقادات خود را که بر پایه اعتقادات اهل سنت (معتزله) می‌باشد مطرح می‌کند.

### زمخشری و تفسیر علمی

یکی از مواردی که به عنوان نقد بر کشاف وارد کرده‌اند این است که هر جا ظاهر لفظ با عقایدش سازگاری ندارد سعی در ابطال معنی ظاهری و پیدا نمودن معنی دیگر که با مرادش سازگار باشد دارد. از آنجایی که در مکتب اعتزال، عقل جایگاه والایی دارد و عقل را بر نقل ترجیح می‌دهند، در موارد تعارض بین عقل و نقل، نقل را تأویل می‌کند و یا از باب تشبیه و تمثیل می‌داند.

مانند در ذیل آیه شریفه (الشوری/۲۳)

«لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»

زمخشری (۵۹/۴) می‌نویسد:

«هذا تمثیل و تخییل کما مرّ فی قوله تعالی (انا عرضنا الامانه) و قد دلّ علیه قوله (و تلك الامثال

نضربها للناس) و الغرض توییح الانسان علی قسوة قلبه و قلته تخشعاً عند تلاوة القرآن.»

«این تمثیل و تخیل است چنانچه در فرموده خداوند است (انا عرضنا الامانه..) و آیه (و تلك الامثال

نضربها للناس) بر این مطلب دلالت دارد. و هدف توییح انسان است، به خاطر قساوت قلب و قلت خشوع





و فروتنی در هنگام تلاوت قرآن.»

می‌توان گفت که، تفسیر علمی به معنای خاص خود، در کشف دیده نمی‌شود. اما زمخشری به نوعی روش جدیدی را در تفسیر بنا نهاد و آن به کارگیری اعجاز بلاغی در کشف است. غایت تفسیرش بحث از اسرار قرآن و اعجاز ادبی است. شاید بتوان آن را از منظر علوم نظری (اعجاز ادبی) به نوعی تفسیر علمی قلمداد نمود.

## بررسی آرای محمد غزالی

غزالی (م ۵۰۵) یکی از علمای اهل سنت در سده ششم قمری بوده است. اندیشه‌های دینی وی تحت تأثیر نهضت فلسفی آن عصر بوده است. وی به منظور احیا و تحول نظریات دینی، نظریه اشتغال قرآن بر علوم مختلف را مطرح نمود و اساس و روش تفسیر علمی را وضع کرد گرچه خود متعرض تفسیر آیات علمی قرآن به تفصیل نگردید ولی از جای‌جای دو کتاب وی یعنی احیاء العلوم الدین و جواهر القرآن می‌توان متوجه عنایت خاص وی به تفسیر علمی شد. وی بدون شک راه را برای تحقیق اندیشمندان علوم قرآن و تفسیر علمی در این عرصه گشود. (غزالی، جواهر القرآن، ۳۱-۳۲) می‌نویسد:

«ثم هذه العلوم ما عدتنا و ما لم نعددها، ليست اوائلها خارجه من القرآن فإن جميعها مفترقه من بحر واحد من بحار معرفة الله تعالى و هو بحر الافعال، وقد ذكرنا انه بحر، لا ساحل له و ان البحر لو كان مدادا لکلماته لنقد البحر قبل ان تنفذه»

«این علمی که برشمرديم، اصول و کلیاتش از قرآن خارج نیست زیرا آبشخور همه اینها از یک دریا از دریاهای معرفت خدای متعال است که آن دریای افعال است و قبلاً گفتیم این دریاهای ساحل ندارد و اگر مرکب برای کلمات الهی باشد تمام خواهد شد قبل از آنکه کلمات خدا پایان پذیرد.» (ذهبی ۵۱۹/۲) درباره غزالی و تفسیر علمی می‌نویسد:

«ان الامام الغزالی كان الى عهده اكثر من استوفى بيان هذا القول في التفسير القرآن»  
«امام غزالی در زمان خودش از همه بیشتر این قول (تفسیر علمی) را در تفسیر قرآن به کار برده است»

(غزالی، جواهر القرآن، ۶۸-۶۹) که آن را بعد از احیاء علوم الدین نوشته است علوم را به دو شکل تقسیم می‌کند. غزالی لباب قرآن را به نمط الجواهر و نمط الدرر تقسیم کرده و آیات قرآن را در آن دو بخش گردآوری کرده، وی منظور خود را از جواهر و دُرر اینگونه بیان می‌کند:

«و نَبِيْهُكَ اَنْ الْمَقْصُوْد مِنْ سَلْكَ الْجَوَاهِر: اقْتِبَاسْ اَنْوَارِ الْمَعْرِفَةِ فَقَطْ وَ الْمَقْصُوْد مِنْ الدَّرْرِ: هُوَ الْاِسْتِقَامَةُ اِلَى سِوَاءِ الطَّرِيْقِ بِالْعَمَلِ (جواهر القرآن، ۶۸ و ۶۹)

فالاول علمي (كالحمد و ...) و الثاني عملي (كالسورة الفلق و ...) و اصل الايمان، العلم و العمل.  
«مقصود از جواهر، فقط اقتباس نور معرفت است. و مقصود از دُرر استقامت در راه با عمل است.»



اولی مانند سوره حمد و دومی مانند سوره فلق. و اصل ایمان، علم و عمل است.  
 در تفسیر آیه «الشمس و القمر بحسبان» (الرحمن/۵)  
 و لا يعرف حقیقه سیر الشمس و القمر بحسبان و خسوفهما و ولوج الیل فی النهار و کیفیة تکویر  
 احدهما علی الاخر الا من عرفه هیئات ترکیب سماوات و الارض. (جواهر القرآن، ۳۲-۳۴)  
 «حقیقت حرکت خورشید و ماه طبق حساب خسوف آنها، داخل شدن شب و روز و کیفیت جمع  
 شدن یکی با دیگری را؛ نمی تواند بشناسد، مگر کسی که شکل ترکیب آسمان ها وزمین را بداند»  
 غزالی آیات دیگری را مورد تفسیر قرار می دهد و بحث خود را به این صورت به نتیجه می رساند:  
 فتفکر فی القرآن و التمس غرائب لتصادف فیہ مجامع علم الاولین و الاخرین.  
 (پس در قرآن اندیشه کن و تا ببینی که چگونه علم اولین و آخرین را در رُخخودش جمع کرده  
 است.)

### طبرسی و مجمع البیان

ابوعلی فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸د) (زر کلی، ۲۲۴/۳) معروف به امین الاسلام و صاحب تفاسیر مجمع  
 البیان (تفسیر کبیر) جوامع الجامع (تفسیر اوسط)، الکاف الشاف (تفسیر صغیر) یکی از علمای سده ششم  
 قمری و از مفسران نامدار و مشهور شیعه است (معرفت، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، ۳۸۲/۲)  
 نام او یعنی طبرسی منسوب به طبرستان نیست بلکه او اهل تفرش بوده است (کریمیان، ۲/ در این باره  
 تحقیق مفصلی کرده است.)

### تفسیر علمی و مجمع البیان

قبل از آوردن نمونه‌هایی از تفسیر علمی، باید دید که از نظر طبرسی، آیا قرآن، جامع علوم است؟

وی در تفسیر آیه «ما فرطنا فی الكتاب من شیء» (الانعام/۳۸)

«ما در کتاب هیچ چیز را فروگذار نکردیم»

(طبرسی، ۴۶۱/۴) درباره معنای کتاب اقوالی را آورده است:

۱- مقصود قرآن است «لأنه ذکر جمیع ما یحتاج الیه فیہ من امورالدین و الدنیا إِمَّا مجملاً أو مفصلاً»

زیرا تمام نیازمندی‌های دینی و دنیوی مردم، به اجمال یا تفصیل در آن آمده است.

و روایتی از ابن مسعود در تأیید این قول می‌آورد. و در آخر این احتمال می‌نویسد:

و هو قول اکثر المفسرین (این قول را بیشتر مفسرین پذیرفته‌اند)

۲- مراد از کتاب لوح محفوظی است که پیش خداوند است ... و این وجه حسن است.

۳- مقصود از کتاب أجل است. و خدا برای همه چیز مدت و اجل قرار داده است. این وجه بعید است.



چنانکه دیدیم مرحوم طبرسی در تفسیر آیه فوق به نتیجه قطعی نرسیده است و این سه قول را به عنوان احتمال ذکر کرده است.

البته می‌توان مواردی را در تفسیر یافت که شیخ طبرسی با استفاده از علوم تجربی به تبیین و تفسیر آیات پرداخته است. مانند:

ایشان در تفسیر آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (البقره/۲۹).

«او خدایی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد و پس از آن به خلقت آسمان‌ها نظر گماشت و هفت آسمان را بر فراز یکدیگر برافراشت و او به همه چیز داناست»

(طبرسی، ۱/۱۷۳) در تفسیر این آیه به آفرینش آسمان و زمین اشاره می‌کند و می‌نویسد: «قال علی بن عیسیٰ اَنَّ السَّمَاوَاتِ غَیْرِ الْاَفْلَکِ لِاَنَّ الْاَفْلَکَ تَتَحَرَّکُ وَ تَدُوْرُ وَ السَّمَاوَاتِ لَا تَتَحَرَّکُ وَلَا تَدُوْرُ لِقَوْلِهِ (اِنَّ اللّٰهَ یَمْسُکُ السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُوْلَا)

علی بن عیسی گفته است، که آسمان‌ها غیرافلاک است، زیرا افلاک حرکت می‌کنند و دور می‌زنند ولی آسمان‌ها حرکت نمی‌کنند و دور نمی‌زنند. به دلیل آیه شریفه «به درستی که خداوند آسمان‌ها و زمین را از لغزش باز می‌دارد»

شیخ طبرسی ادامه می‌دهد که، این کلام ضعیف است، زیرا سخن در آیه شریفه «اَنْ تَزُوْلَا» به این معناست که آسمان‌ها (افلاک) که به دور خود می‌گردند لغزشی پیدا نمی‌کنند و اگر خداوند آنها را نگهداری نمی‌فرمود لغزش پیدا می‌کردند.

ایشان در موارد دیگر نیز از تفسیر علمی کرده است مانند: یس/۳۸ و سوره حجر/۲۲ و یس/۳۸ و نمل/۸۸ و القارعه/۵ و ... (مجمع‌البیان، ۸/۶۶۱ و ۲۰/۴۰۶ و ۶/۵۱۳ و ۸/۳۷۰ و ۸/۶۶۳ و ۵/۲۴-۲۵) در نهایت می‌توان گفت که:

در تفسیر مجمع‌البیان به ندرت آیاتی را می‌یابیم که طبرسی بخواهد با دیدگاه علمی وارد تفسیرش شود. او با احتیاط با تفسیر علمی برخورد کرده است. بنابراین نمی‌توان او را در زمره قائلین به تفسیر علمی قرار داد.

محقق معاصر، اگرچه طبرسی را جزو موافقان تفسیر علمی آورده است ولی نظر قطعی نمی‌دهد وی اینگونه می‌نویسد: (رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۲۹۸)

«در نهایت، شاید بتوان که مرحوم شیخ طبرسی را به سختی در ردیف قائلین به تفسیر علمی قرار داد.»

به نظر می‌رسد که شیخ طبرسی به عنوان مفسری شیعه مذهب، نهایت احتیاط را در این زمینه کرده است. و در برخی از موارد که با دانش زمان خود مطابقتی نمی‌یافت، آنها را بیشتر به حوادث روز قیامت ارتباط داده است.



ایشان بر این نکته تأکید داشت که مواردی چون نظم و هماهنگی در جهات هستی، دلیل بر وجود صانع مقتدر و تواناست.

سبحانی، الشیخ طبرسی، امام المفسرین فی القرن السادس، ۵۹) در این باره چنین می نویسد که: «و قد استخدم القرآن الکریم فی غیر واحد من آیاته علی أنّ العالم له صانع علیم او از آیات قرآن کریم استفاده کرده که (بگوید) جهان دارای آفریننده داناست. (حاجی خلیفه ۶/۵) (سیوطی، طبقات المفسرین، ۱۰۰) از او نام می برند.

### تفسیر کبیر یا مفاتیح الغیب اثر فخررازی

ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین ملقب به فخر رازی (م ۶۰۶ هـ ق) (زرکلی، ۱۳۷/۵) صاحب تفسیر کبیر یکی از تفاسیر بجا مانده در سده ششم قمری است.

(عبد العزیز المجدوب، ۲۳) در معرفی او می نویسد:

«هو الفخرالدین ابو عبدالله، محمد بن عمر، قرشی النسب، طبرستانی الاصل، رازی المولد، من ذریة ابی بکر الصدیق.»

(سیوطی، طبقات المفسرین، ۱۰۰ شماره ۱۱۹) از او نام می برد.

فخررازی جامع علوم عقل و نقل است. وی در فلسفه، کلام، لغت، اصول فقه و علوم طبیعی پایگاه علمی رفیعی داشته است و اگر بخواهیم نو شدن تفسیر را از زبان قدیمی ترین مفسران بشنویم باید به تفسیر وی مراجعه کنیم. او یکی از کسانی است که به مسئله آگاهی مفسر به علوم زمان خود اشاره می کند و تفسیر را در سایه آن علوم ضروری می شمارد. به همین علت طرح مباحث عصری و شبهات و درگیری های کلامی و نیز علومی چون هیئت و فلسفه و ... به فراوانی در تفسیرش مشاهده می گردد. (محمدعلی ایازی، قرآن و تفسیر عصری، ۵۲)

### رازی و تفسیر علمی

رازی اهتمام زیاد به مسائل علمی و امور هستی شناسانه داشته و جزئیات علم هیئت، ستاره شناسی، پزشکی و ... را در سطح علوم زمان خود در استدلال های قرآنی خود آورده است. اینک، نمونه هایی از تفسیر علمی در تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) بر حسب تقسیم بندی علوم طبیعی زمان وی مورد بررسی قرار می دهیم.

۱- استفاده از علم هیئت و فلک در تفسیر (رازی، ۱۷۹/۴-۱۸۰، ۱۸۵)

در تفسیر آیه «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَکِ الَّتِي...» به علم هیئت و فلک می پردازد. (البقره/۱۶۴)

۲- در مورد نظم جهان هستی در تفسیر آیه زیر می نویسد: (رازی، ۱۰۳/۲۰)

«أَنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (النحل/٩٠)

«و بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ ... وَ لَوْ كَانَ بُعِدَ الشَّمْسُ مِنَ الْأَرْضِ أَقْلَ مِمَّا هُوَ الْآنَ، لَعَظَمَتِ السَّخُونَةُ فِي هَذَا الْعَالَمِ وَأَحْرَقَ كُلَّ مَا فِي هَذَا الْعَالَمِ، وَ لَوْ كَانَ بُعْدُهَا أَزِيدَ مِمَّا هُوَ الْآنَ لَأَسْتَوَى الْبَرْدُ وَ الْجَمُودُ عَلَى هَذَا الْعَالَمِ وَ كَذَا الْقَوْلُ فِي مَقَادِيرِ الْحَرَكَاتِ الْكَوَاكِبِ وَ مَرَاتِبِ سُرْعَتِهَا وَ بَطْنِهَا فَإِنَّ الْوَاحِدَ مِنْهَا لَوْ كَانَ أَزِيدَ مِمَّا هُوَ الْآنَ أَوْ كَانَ أَنْقَصَ مِمَّا هُوَ الْآنَ لَأَخْتَلَّتْ مَصَالِحُ هَذَا الْعَالَمِ»

«اگر فاصله خورشید از زمین کمتر از فاصله فعلی بود حرارت در این جهان بالا می‌گرفت و آنچه در جهان است می‌سوخت. و اگر فاصله بیشتر از فاصله کنونی بود سرما و جمود بر این عالم حکمفرما می‌شد. هم چنین است مقدار حرکت کواکب و مراتب سرعت آنها اگر سرعت یکی از آنها از سرعت فعلی بیشتر یا کمتر بود، مصالح این جهان مختل می‌شد»

۳- در چگونگی استقرار زمین توسط کوه‌ها در ذیل آیات (النحل/١٥-١٦):

«وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَارًا وَ سُبُلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» وَ عَلَامَاتٍ وَ بِالتَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ»

رازی در تفسیر آیات فوق، بعد از آنکه مباحثی را درباره اینکه خداوند زمین را به وسیله کوه‌ها استقرار داد و در واقع به سبب سنگینی این کوه‌هاست که زمین مضطرب نیست. (رازی، ٧/٢٠-١١).

۴- درباره آفرینش انسان

در تفسیر آیه «رَبِّ الْعَالَمِينَ» از سوره مبارکه حمدف مراحل خلقت انسان را از نطفه، به طور مفصل توضیح می‌دهد. (رازی، ٢٣/١)

۵- مباحثی پیرامون آفرینش حیوانات و شگفتی‌های زندگی آنان  
وی در ذیل آیه ٧٠ در سوره مبارکه النحل درباره شگفتی‌های لانه زنبور عسل به طور مفصل، توضیح می‌دهد. (رازی، ٧٠/٢٠)

۶- درباره نباتات، ذیل آیه ٩٥ سوره الانعام (رازی، ٩٢/٧)

۷- پیرامون تغذیه و خاص غذاهای، در تفسیر آیه ٦٦ از همان سوره (رازی، ٦٦/٢٠)

رازی در جواب عده‌ای که از وی انتقاد می‌کنند که چرا در تفسیر آیات، مباحث علمی مطرح می‌کند، دلیلی می‌آورد که در واقع، بعضی از دلایل موافقان تفسیر علمی در عصر حاضر است (رازی، ١٢٢/١٤)

### تفسیر قرآن از ابن ابی‌الفضل المرسی

محمد بن عبدالله بن ابی‌الفضل مرسی (٥٧٠-٦٥٥) در علم نحو، تفسیر و فقه تبحر داشت.

وی صاحب کتاب‌های متعددی از جمله تفسیر قرآن است. (یاقوت حموی، ٢٠٩/١٨)

(سیوطی، طبقات المفسرین، ١٨) از او نام می‌برد.

به نظر می‌رسد که از کتاب تفسیر قرآن وی، فقط آرا و نظریاتی که سیوطی در سه کتاب خود نقل



کرده است، چیز دیگری باقی نمانده است.

به عنوان مثال، نویسنده معاصر (احمد ابو حجر، ۱۵۳-۱۵۸) هم در بررسی آرا و نظریات مرسی، به اقوال سیوطی در کتاب‌های (الاتقان فی علوم القرآن - معترك الاقران فی إعجاز القرآن - الإکلیل فی استنباط التنزیل) اکتفاء کرده است. زیرا وی اعتقاد دارد که قرآن جامع علوم اولین و آخرین است.

نمونه‌هایی از تفسیر علمی «مرسی» به نقل از سیوطی عبارتند از:

در تفسیر آیه «وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (الفرقان/۶۷)

«بلکه در احسان میانه‌رو و معتدل باشند»

و آیه «شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (النحل/۶۹)

«شرابی رنگارنگ که در آن برای مردم شفاست»

کیفیت بازگشت نظام صحت بعد از اختلال و شفای بدن بعد از بیماری را به ما می‌فهماند، سپس بر طب اجساد، طب قلوب و شفای صدور را افزود.

وی از آیه‌های «إِنظَلُّوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ الْهَبِّ» (المرسلات، ۳۰-۳۱)

«به سوی آن دود سه شعبه راه افتید که نه از آسیب‌تان نگه دارد و نه دفع آن شعله کند»

یک قاعده هندسی در می‌آورد و آن این است که مثلث سایه ندارد.

از اوایل سوره، مدت و سالیان و ایام تاریخ ملت‌های گذشته را می‌توان فهمید پس از آنها برای علم

جبر و مقابله استفاده کرد.

مرسی برای علوم و فنون دیگر نیز آیه یا آیاتی ذکر می‌کند. (سیوطی، الإکلیل، ۲-۵) مانند:

از سوره العنکبوت آیه ۴۱ برای پارچه‌بافی

از سوره الواقعة آیه ۶۳ برای کشاورزی

از سوره الاعراف آیه ۲۲ برای خیاطی

از سوره العلق آیه ۴ بر نویسندگی

از سوره النمل آیه ۴۴ و سوره النور آیه ۳۵ برای شیشه‌گری

سوره مبارکه ص آیه ۳۷ و النحل آیه ۱۴ برای غواصی

سنگبری و تیراندازی، رنگرزی، شویندگی، ساختن زیورات، دریانوردی، نانواپی نجاری و ...

استخراج می‌کند. و در آخر می‌نویسد: (سیوطی، معترك الاقران فی إعجاز القرآن، ۱۳-۱۴)

«و فيه من اسماء الالآت و ضروب المأكولات و المشروبات و المنكوحات و جميع ما وقع و يقع

فی الكائنات ما يحقق معنى قوله ( ما فرطنا فی الكتاب من شیء) (الانعام/۳۸). را بر اساس آیات قرآن و

از آیه « ما فرطنا فی الكتاب من شیء»

در قرآن همه آنچه در عالم هستی واقع شده و می‌شود از اسامی و سایل، خوردنی‌ها نوشیدنی‌ها و

منکوحات وجود دارد به گونه‌ای که معنای آیه «و ما فرطنا فی الكتاب من شیء» را ثابت می‌کند.



## زرکشی و البرهان فی العلوم القرآن

«بدرالدین محمد بن عبدالله الزرکشی المتوفی سنه ۷۹۴ هجری، من العلماء الذین یرون أنه یمکن استخراج کل شیء من القرآن ینتقل اقوال بعض الصحابه فی هذا الموضوع. کما ینقل الامام الغزالی التی ذکرها فی کتابه (الاحیاء علوم الین)» (ابوحجر، ۱۵۸-۱۶۰)

«زرکشی متوفی سال ۷۹۴ هجری از علمایی است که اعتقاد دارد که می‌شود همه علوم را از قرآن استخراج کرد. او سخنان بعضی از صحابه را نقل می‌کند. چنانچه امام غزالی آنها را در کتاب احیاء علوم دین ذکر کرده است.»

زرکشی تفسیر مستقلی در تفسیر قرآن ندارد اما با توجه به نظریات وی در کتابش، او را از قائلان به تفسیر علمی در زمان خودش به شمار می‌آورند. (رفیعی محمدی، ۱۸۵)

البته ذکر این نکته لازم و ضروری است که افکار و آرا محمد غزالی و در ادامه، نوع نگاه تفسیری در مفاہیح الغیب فخر رازی و ... باعث گسترش آرا و نظریاتی در حوزه علوم قرآنی گردد. و فردی چون «بدر الدین محمد بن عبدالله زرکشی» از علمای اهل سنت در سده هشتم کتابی بنویسد که در آن نظریه استخراج همه علوم از قرآن را مطرح نماید.

وی چنین می‌نویسد ک (زرکشی، ۱۹۸/۲)

«و فی القرآن علم الاولین و آخرین، ما من شیء الا و یمکن استخراج منه»

«علم اولین و آخرین در قرآن است، چیزی وجود ندارد مگر آنکه امکان استخراج آن از قرآن

باشد.»

کتاب «البرهان فی العلوم قرآن» از جمله کتاب‌های پرحجم اوست که عصاره اقوال گذشتگان و فشرده آرای محققان را درباره قرآن کریم است. او این کتاب را به ۴۷ نوع سامان داد. هر چند این ابواب را می‌توان تحت حدود ده عنوان کلی‌تر قرار داد. (اقبال، ۲۶)

البرهان، نخستین، مهم‌ترین، مؤثرترین و محققانه‌ترین مجموعه و کتاب جامع علوم قرآن است. استفاده از حدود سیصد منبع پیش از خود، آن را به صورتی اثری محققانه، با مباحثی گسترده جلوه‌گر ساخته است. این اثر در نگارش‌های علوم قرآن پس از خود تأثیر بسزایی داشته است. (اقبال، ۳۴۶)

وی فصل مستقلی را تحت عنوان «فی القرآن علم الاولین و الاخرین» می‌گشاید و می‌نویسد که حتی می‌توان عمر پیامبر (ص) را هم از قرآن فهمید. البته این مسئله را به عنوان نقل قولی مطرح می‌کند و آن را به (بعضی) نسبت می‌دهد.

ان بعضهم استنبط عمر النبی (ص) ثلاثاً و ستین من قوله تعالی فی سورة المنافقین.

(وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا) (المنافقون/۱۱)

فانها راس ثلاث و ستین سورة و عقبها بالتغابن لیظهره التغابن فی فقهه» (زرکشی، ۱۹۸/۲)

«در قرآن علم و آخرین است و هیچ چیزی نیست مگر اینکه امکان استخراج آن از قرآن وجود

دارد، برای کسی که خداوند به او فهم و توان داده باشد تا جایی که بعضی مدت عمر پیامبر را که ۶۳ سال است از آیه شریفه سوره منافقین استخراج نموده‌اند. زیرا سوره فوق سوره ۶۳ قرآن است، و پس از آن سوره تغابن را آورد تا اندوه در فقدان پیامبر را آشکار کند.

زرکشی از آیات «قال انی عبدالله... وُلِدْتُ و یومِ اموتِ و یومِ ابعثُ حیاً» (مریم/۳۰-۳۳) همانا من بنده خدایم که مرا کتاب آسمانی و نبوت عطا فرمود و هر کجا باشم مایه برکت گردانیدو تا زنده‌ام به عبادت و نماز و زکات سفارش کرد»

آیات فوق ۳۳ کلمه است. او استنباط کرده که عمر حضرت عیسی (ع) بر اساس همین تعداد کلمات، ۳۳ سال بوده است. (زرکشی، ۱۹۸/۲-۱۹۹)

وی از قرآن برای پیش‌بینی حوادث در آینده نیز استفاده کرده است. چنانکه از آیه:

«إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» (الزلزال/۱)

استنباط کرده‌اند که در سال ۷۰۲ زلزله می‌شود. چون از نظر حروف ابجد «الف ۲» و «ذال ۷۰۰» است. (زرکشی، ۱۹۸/۲)

بنابراین، با توجه به این که زرکشی از دانشمندان علوم قرآنی است نه یک مفسر قرآن، در عین حال از کسانی است که به تفسیر علمی اعتقاد دارند.

پس می‌توان او را در زمره قائلین به تفسیر علمی قرآن کریم در سده «۸» قمری دانست.

(رضایی اصفهانی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، ۳۰۱)

به عبارت دیگر درباره تفسیر علمی در آن محدوده زمانی می‌توان گفت:

۱- غزالی، پایه‌گذار و نظریه‌پرداز بود.

۲- شیخ طبرسی با احتیاط نسبت به تفسیر علمی برخورد نمود.

۳- پس از او فخررازی، آن نظریه را عملاً در قرآن به کار برد. و پارهای از آیات قرآن کریم را بر علوم و معارف زمان خود تطبیق داد.

۴- اما مرسی، سعی دارد که ثابت کند همه علوم و فنون در قرآن وجود دارد.

۵- زرکشی، سخنان علما گذشته را در این باب مطرح می‌کند و مثال‌های اندکی زده است

### بررسی ادله مثبتین و منکرین تفسیر علمی قرآن کریم

در رابطه تفسیر علمی، آرای مختلفی وجود دارد. بعضی راه افراط را پیموده‌اند و بعضی تفریط کرده‌اند و عده‌ای راه میانه و اعتدال را برگزیدند. و این در حالی است که آیات قرآن فقط ۱۰ درصد به مباحث علمی در زمینه‌های گوناگون اختصاص داده است. (رفیعی محمدی، ۱۷۵/۲) وجود ۷۵۰ آیه که اشارات علمی در قرآن دارد (گلشنی، ۱۰۴) باعث شده است، مفسران و محققان علوم اسلامی با بررسی دقیق و موşkافانه این آیات به جستجوی علوم مختلف بپردازند و در نهایت، هرکدام ثمره‌ایی از تحقیقات خود





را ارایه دهند. قرآن پژوهان همیشه در این راستا با یک پرسش دائمی مواجه بوده‌اند که:

آیا قرآن یک کتاب علمی است که در بردارنده همه علوم است که باعث سعادت در دنیا می‌گردد یا آنکه کتاب هدایت انسان و جامعه بشری است و به جز آن هر مسئله‌ای که در آن مطرح شده است، از باب تمثیل و تأکید و تبیین راه هدایت می‌باشد؟

جواب سؤال فوق، بستری را در طول تاریخ تفسیر فراهم نمود که منجر به پیدایش روش‌های تفسیری گوناگون گردید. در این مقاله سعی می‌شود که مهمترین دلایل موافقان و مخالفان تفسیر علمی مورد بررسی قرار گیرد.

### مهمترین دلایل موافقان تفسیر علمی و نقد آن

دلیل اول: قرآن در بردارنده همه علوم است.

به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین دلایل موافقان، جامعیت قرآن نسبت به همه علوم است. آنان با استناد به خود قرآن ثابت کرده‌اند که همه علوم در قرآن کریم، وجود دارد.

نمونه‌های متعددی از این افراد در فاصله زمانی سده‌های ششم تا هشتم قمری یاد کردیم. مانند: «غزالی، فخر رازی، ابن ابوالفضل مرسی، زرکشی»

بعد از سده هشتم تا عصر حاضر تفسیر علمی کم‌کم شتاب زیادی گرفت، افرادی همچون سیوطی هم، در این راستا گام برداشتند.

(ابو حجر، ۱۶۰-۱۶۳) بعد از زرکشی، سیوطی (۹۱۱د) را جزو موافقین تفسیر علمی آورده است. (ذهبی، ۱۲۳/۲) هم همین نظر را دارد.

آنان در اثبات اینکه قرآن در بردارنده همه علوم است به آیات (النحل، ۸۹، الانعام/۳۸ و ۵۹) استناد می‌کنند. نکته قابل توجه این است که، طرفداران تفسیر علمی، علاوه بر آیات مطرح شده، به روایاتی هم استناد کرده‌اند که بر اساس آن می‌توان حکم به وجود همه علوم در قرآن را داد. برای نمونه به روایت در (اصول کافی ۱، ۳۸۸۳۸) ۹، اشاره می‌کنند. همچنین به روایاتی استناد می‌کنند که هر آیه بطونی دارد. و هر کس یک مطلب می‌فهمد و به آن آگاهی می‌یابد. (ری شهری، ۹۴/۸)

از معاصران، کسی که تفسیر علمی را به اوج خود رسانده است، شیخ طنطاوی (۱۲۸۷-۱۳۸۵ق) در مصر است.

وی برای اینکه ثابت کند که همه علوم در قرآن وجود دارد در کتاب تفسیری خود بسیاری از علوم جدید را اعم از فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، و ... را لابه‌لای تفسیر خود که «الجواهر فی تفسیر القرآن» نام گرفته است آورده و به حدی در این زمینه اغراق می‌کند که اگر کسی کتابش را ورق بزند و به شکل‌های هندسی و علمی بنگرد، گمان نمی‌برد که این یک کتاب تفسیری است بلکه به یقین می‌پندارد که یک دائرةالمعارف بزرگ علوم جدید است.



(خرمشاهی، تفسیر و تفاسیر جدید ۱۰۵) چنین آورده است:

تفسیر جواهر نمایان‌ترین نمونه علم‌گرایی و علمی‌نویسی و قیاس حقایق قرآن با اطلاعات و دقایق علمی است. (طنطاوی ۱/۸۴-۸۶) بر همین اساس حتی علم احضار ارواح را از آیات مربوط به گاو بنی اسرائیل استخراج کرده است.

## نقد دلیل اول

الف) قرآن قانون اساسی مسلمانان است و هدف اصلی از نزول قرآن و به طور کلی‌تر هدف از ارسال رسولان الهی هدایت مردم به سوی خداوند و نجات آنان از گمراهی بوده است. درست است که قرآن به عنوان معجزه جاویدان خاتم‌الانبیاء است، ولی لازم نیست که در بردارنده همه علوم بشری باشد. هدف اصلی هدایت است. چنانکه آیات الهی هم بر این مسئله دلالت دارد. (الاسراء/۹، الجمعة/۲، الاحزاب/۴۵-۴۶)

اما در جواب عده‌ای که از آیه شریفه الانعام/۳۸ استفاده می‌کنند و می‌گویند که همه علوم در قرآن وجود دارد، باید گفت که به راستی کسی که به قرآن می‌نگرد آیا فرمول‌های شیمی و فیزیک و دیگر علوم را می‌بیند؟

و اگر همه علوم در قرآن باشد، به ناچار برای رسیدن به آنها باید تفسیر به رأی نمود تا به نتیجه دلخواه رسید. در حالی که تفسیر برآی ممنوع است.

همچنین اگر قرآن بر همه نظریات علمی تطبیق داشته باشد، آیات و الفاظ در معرض خطر قرار می‌گیرند. زیرا دانش بشری نسبی است و همچنین در معرض خطا و تغییرند. چه بسا یک نظریه علمی که به ظاهر درست است بعد از گذشت مدتی ابطال می‌گردد. در حالی که قرآن از باطل به دور است. پس نمی‌توان این نتیجه را گرفت که الزاماً همه علوم بشری در قرآن وجود دارد.

## دومین دلیل: اثبات اعجاز علمی قرآن کریم

تفسیر علمی، در برخی موارد می‌تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند. و این مطلب باعث ایمان بیشتر مسلمانان و همچنین گرایش غیرمسلمانان، به ویژه جوانان به اسلام و قرآن می‌شود.

یعنی قرآن کریم در هزار و چهارصد سال قبل، مسائلی را در آیاتش برای انسان‌ها بیان کرد، که پس از سال‌ها به وسیله ابزارهای جدید به دست دانشمندان کشف شده است. پس قرآن، کلام بشری نیست، بلکه یک معجزه الهی است. ذکر مطالب علمی در چهارده قرن قبل، در محیط عربستان که دور از تمدن و علم بوده، دلیل براین است که قرآن ریشه در وحی الهی دارد.

آیاتی در قرآن وجود دارد که اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کنند مانند (یس/۳۶، الرعد/۲،

المومنون/۱۲-۱۴)

برخی (عبدالرزاق، القرآن و العلم الحديث، ۲۱) در زمینه اعجاز اعتقاد دارند که دعوت اسلامی که فقط منحصر به عرب نیست پس باید به وسیله بیان اعجاز علمی بتوانیم به غیر عرب هم تفهیم معجزه بودن قرآن را کرد.

## نقد دلیل دوم

شاخه‌های اعجاز قرآن نیز متعدد است. که هم شامل فصاحت و بلاغت و ابعاد دیگر مانند پیش گویی و اخبار غیبی و طرح مسائل تاریخی و عقیدتی و علمی و ... می‌شود. دانشمندان علوم قرآنی در این رابطه مطالب مفصلی نگاشته‌اند. (علامه طباطبائی، المیزان، ۵۸/۱)

## سومین دلیل موافقان تفسیر علمی

سومین دلیل بر تفسیر علمی قرآن کریم، همان بحث همیشگی سازگاری علم و دین است. که به زعم خود با این‌گونه تفسیر، ناسازگاری علم و دین را از بین ببرند.

این مسئله، به ویژه در جهان مسیحیت جلوه‌گری نمود که با داستان گالیله این تنازع به اوج خود رسید و کم‌کم به صورت یک جدال جهانی، بین علم و دین تبدیل گردید. و با گذشت زمان، عالمان دینی بر آن شدند که تعریف جدیدی از مفاهیم و معارف دینی برای پیروان مکاتب توحیدی ارائه دهند.

## نقد و بررسی دلیل سوم

ناسازگاری و تعارض بین علم و دین فرایند تفکر حاکم بر کلیسا در قرون وسطی است. همانانی که گالیله را برحسب اعتقادش (گردش زمین) که برخلاف کتاب مقدس بود، به زندان افکندند. به عبارت دیگر می‌توان گفت که این تعارض ریشه در تحریفات کتاب مقدس و برخورد کلیسا و اروپا با اندیشمندان آن زمان دارد. اما قرآن با کشفیات علمی چه تعارضی دارد؟ شاید برداشت غلط از برخی از آیات مسئله تعارض میان علم و دین را تداعی کند، اما این خطای مفسر است و ساحت مقدس قرآن از این نقص مبرست.

محقق معاصر، در این باره، سؤال و جوابی را مطرح می‌کند. (مشکینی، ۲۲۱۹)

## چهارمین دلیل موافقان تفسیر علمی قرآن کریم

چهارمین دلیل بر تفسیر علمی، این است که خداوند رسولان را برای مردم خودشان فرستاد، مگر پیامبر ما حضرت محمد (ص) که خداوند متعال برای همه مردم فرستاد (نوقل، القرآن و العلم الحديث، ۲۱) و سپس می‌گوید «کیف نبلغ الدعوة الی غیر العرب»: غیر عرب را چگونه دعوت کنیم؟

اما برای ملت‌های غیر عرب که نمی‌توانند اعجاز ادبی آن را درک کنند لازم است که تفسیر علمی



از قرآن صورت گیرد. زیرا اعجاز علمی قرآن، آنها را قانع و به طرف اسلام جذب می‌کند.

### نقد و بررسی دلیل چهارم

بحث در رابطه جنبه‌های مختلف اعجاز قرآن، قبلاً مطرح شد. و چنانچه بیان گردید، اعجاز ادبی یکی از جنبه‌های متعدد اعجاز قرآن است. البته ممکن است که دلیل فوق، مصادیقی داشته باشد. ولی هر غیرعربی که می‌خواهد مسلمان شود الزاماً باید تفسیر علمی قرآن را بداند؟ آیا نمی‌توان با ترجمه دلنشین و جذاب قرآن، مقصود الهی را رساند؟ مسلماً هر غیرعربی هم که قرآن تلاوت می‌کند، جذب آیات الهی می‌شود، به شرطی که قلوب آماده پذیرش به دین اسلام را داشته باشد. و همچنین بسیاری از غیرعرب‌ها با آموختن ادبیات عرب می‌توانند به این بعد از اعجاز قرآن آشنا گردند.

به علاوه، در صورتی این تفسیر منجر به دعوت به اسلام می‌شود که با گذشت زمان آن نظریه علمی باطل نشود زیرا در این صورت، مایه تزلزل عقیده و تردید می‌گردد. که در نهایت نتیجه‌ای معکوس به دست می‌آید. بنابراین نمی‌توان دلیل چهارم را به عنوان یک دلیلی که کامل و عاری از نقص باشد، شمرد.

### پنجمین دلیل بر تفسیر علمی قرآن کریم

آیاتی در قرآن کریم وجود دارد که درباره حرکت کوه‌ها، لقاح گیاهان، آسمان‌ها و زمین، چگونگی آفرینش انسان، درباره حرکت خورشید و ماه و ستارگان و .. سخن به میان آورده است. و تبیین این دسته از آیات، جز در پرتو کشفیات جدید و قوانین علمی، امکان‌پذیر نیست.

### نقد و بررسی دلیل پنجم

اگر کسی با رعایت قوانین تفسیر و به شکل صحیح و با دلیل به تفسیر علمی قرآن بپردازد، مانعی ایجاد نمی‌کند. مسئله و مشکل آنجا پدید می‌آید که با دست برداشتن از ظواهر آیات و تحمیل فرضیه‌های علمی بر قرآن، فهم خویش را بر قرآن تحمیل کند. بر همین اساس است که بین تفسیر علمی معتبر و غیرمعتبر فرق قائل می‌شوند.

### دلایل مخالفین تفسیر علمی قرآن کریم

#### اولین دلیل: تغییرپذیری دانش بشری و نسبی بودن آن

به نظر می‌رسد که یکی از مهمترین دلایل مخالفان تفسیر علمی این است که، علوم تجربی و یا دانش



بشری نسبی است. و نظریات و تئوری‌های آنها قطعی نیست.

ذهبی که از مخالفان تفسیر علمی است در این باره می‌نویسد:

«اگر ما از روشی پیروی کنیم که هر چیزی را بر قرآن تحمیل کنیم و آن را مصدری برای همه علوم از طب، و نظریات هندسی و قوانین شیمی و علوم مختلف دیگر قرار دهیم، بدین وسیله شک را در عقاید مسلمانان، نسبت به قرآن ایجاد می‌کنیم. زیرا قواعد علوم و آنچه بر پایه‌اش بنا می‌شود، از نظریات علمی، هیچ ثباتی ندارد و باقی ماندنی نیست. (ذهبی، ۳۳۲/۲-۳۳۳)

(شیخ محمود شلتوت، ۱۳) هم که از مخالفان است، اعتقاد دارد:

«هذه النظر للقرآن خاطئة من غير شك. لأن الله لم ينزل القرآن ليكون كتاباً يتحدّث فيه إلى الناس عن نظرات العلوم و دقائق الفنون و انواع المعارف»

«این نظر برای قرآن بدون شک اشتباه است. زیرا خداوند قرآن را برای این نازل نکرده است که در آن با مردم درباره نظریات علمی و نکته‌های فنون و انواع معارف سخن بگوید»  
(سید قطب، ۹۶/۲) به همین مضمون عقیده دارد.

## نقد و بررسی دلیل اول

دلیل فوق از جهتی درست است. مطمئناً، شک و تردیدی که پس از ابطال نظریه علمی به کارگرفته شده در تفسیر به وجود می‌آید، در تزلزل ایمان افراد بسیار مؤثر است. اما باید به یک نکته مهم توجه کنیم و آن این است که:

این اشکال موقعی به وجود می‌آید که قرآن را با تئوری‌های فرضی و ثابت نشده تفسیر کنیم. اگر در تفسیر آیات، با علوم قطعی همراه با یک دلیل عقلی و یا قوانین تجربی قطعی با ذکر کلمه «احتمال» تفسیر کنیم، این مشکل پیش نمی‌آید. آنچه پیروان تفسیر علمی به آن قائلند تفسیر قرآن با قوانین و داده‌های یقینی علوم تجربی است نه فرضیات.

یکی از (مکارم شیرازی، قرآن و آخرین پیامبر، ۱۵۱) می‌نویسد:

«چه مانعی دارد قرآن مجید در بحث‌های تربیتی و توحیدی خود پرده از روی یک سلسله حقایق علمی که بر مردم آن عصر مستور بوده بردارد

## دومین دلیل مخالفان تفسیر علمی

تفسیر علمی در بسیاری از موارد به تأویل و تفسیر به رأی منجر می‌شود.

این‌گونه تفسیر نیز، در روایات بر آن وعده آتش داده شده است.

«عن النبی (ص): من قال فی القرآن برأیه، فلیتوب معقده من النار» (سنن ترمذی، ۱۸۳/۵ حدیث

شماره ۲۹۵۰)



(مکارم شیرازی، تفسیر برای، ۲۳) معنا کرده و (درودی، ۱۰۳) علت پیدایش این تأویلات را بیان می‌کند.

البته در این بین به افرادی برخورد می‌کنیم که با قصد و غرض خاصی دست به این کار می‌زنند. (مطهری، ۱/۴۵۷) در این باره می‌نویسد:

«ماتریالیست‌ها نیرنگ تازه‌ای بس خطرناک‌تر از «تحریف شخصیت‌ها» دست زده‌اند و آن تحریف آیات قرآن کریم و تفسیر مادی محتوی آیات، با حفظ پوشش ظاهری الفاظ است»

### نقد و بررسی دلیل دوم مخالفین

دلیل دوم در بعضی موارد درست است. افرادی با سوءنیت یا حتی با حسن‌نیت، دچار تفسیر به رأی می‌شوند و در نتیجه مستحق آتش الهی می‌گردند. اما همیشه این‌طور نیست. در واقع تفسیر به رأی بر دو نوع است. یک نوع آن تفسیر به رأی مذموم و نوع دیگر آن تفسیر به رأی غیرمذموم است. مواردی را که در دلیل دوم مطرح گردید و مخالفین تفسیر علمی به آن استناد کردند، از نوع اول می‌باشد، اما تفسیر علمی، همیشه این‌گونه نیست.

سومین دلیل مخالفان قرآن برای هدایت نازل شده است نه چیز دیگر چنانکه (ابو حجر، ۱۱۰) می‌گوید: «إِنَّ الْمَهْمَةَ الْقُرْآنَ دِينِيَّةً اِعْتِقَادِيَّةً وَ لَيْسَتْ عِلْمِيَّةً» (زرقانی، ۲/۳۷۹-۳۸۰) به این مطلب اشاره دارد.

### نقد و بررسی دلیل سوم مخالفان تفسیر علمی

در دلیل فوق از جانب مخالفان تفسیر علمی مانند دیگر دلایل مطرح شده قبل، متوجه کسانی می‌شود که در روش تفسیری خود افراط کرده که منجر به دور شدن از هدف اصلی نزول قرآن که همان هدایت است، می‌شوند. و شامل مفسرانی که حد اعتدال را در این زمینه رعایت می‌کنند و با رعایت قواعد علم تفسیر، آیاتی را با علوم روز تبیین و تفسیر می‌کنند، نمی‌شود.

### چهارمین دلیل مخالفان تفسیر علمی

یکی از دلایل مخالفین تفسیر علمی این است که تفسیر علمی با «اعجاز» و «تحدی» قرآن منافات دارد.

(ابو حجر، ۱۱۱) آن را به عنوان دلیل نهم ذکر می‌کند.

### نقد و بررسی دلیل چهارم مخالفان تفسیر علمی

در بررسی و نقد دلیل چهارم، همین نکته کافی است که بگوییم:



اعجاز ادبی قرآن و تحدی آن از صدر اسلام که مردم هیچ‌گونه آشنایی با علوم تجربی نداشته‌اند، تا امروز که مردم در اوج پیشرفت علمی هستند، پابرجاست. و قرآن همواره تحدی می‌کند و مردم هم از آن زمان تاکنون نتوانسته‌اند آن که حتی یک سوره مانند قرآن بیاورند.

### پنجمین دلیل مخالفان تفسیر علمی

در آثار و روایات به جامانده از صحابه و تابعین، روش تفسیر علمی دیده نمی‌شود. و اگر این نوع تفسیر پست‌دیده بود، آنها نیز بدین‌گونه تفسیر اقدام می‌کردند. در حالی که آنها بسیار در امر تفسیر احتیاط می‌کردند تا مبادا گرفتار تفسیر به رأی شوند.

### نقد و بررسی دلیل پنجم مخالفان تفسیر علمی

در نقد و بررسی دلیل پنجم، باید بگوییم که تفسیر در صدر اسلام بسیار ساده و ابتدایی بود. عرب آن زمان قرآن را که به زبان خودشان بود، به راحتی می‌فهمیدند. در آن زمان مسئله علمی مطرح نبود تا صحابه و تابعین در مقام تبیین و تفسیرش برآیند.

### سخن آخر

قرآن، یک دائرةالمعارف علمی نیست. اما در «آیات علمی» آن پیام‌های مهمی وجود دارد. و دانشمندان مسلمان باید به این پیام‌ها توجه کنند. نه اینکه تمام همت‌شان را صرف اثبات اعجاز علمی قرآن، و یا سازگاری آن با علم روز نمایند.

تأملی در آیاتی که اشارات علمی دارد، نشان‌دهنده آن است که هر چیزی در این جهان قانونمند و با هدف است. بنابراین، این دسته از آیات هم مانند آیات دیگر در راستای این مسئله قرار می‌گیرد که: هدف از ارسال پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) به عنوان خاتم‌الانبیاء و انزال قرآن به عنوان معجزه جاودان، در یک جمله خلاصه می‌شود و آن: «هدایت همه انسان‌ها به صراط مستقیم الهی است»



## منابع و مأخذ

۱. قرآن مجید، ترجمه فولادوند، محمد مهدی، تحقیق و نشر: دارالقرآن الکریم.
۲. نهج البلاغه، شهیدی، جعفر، چاپ شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۷۴ ش.
۳. آل جعفر، مساعد مسلم، مناهج المفسرین، دارالمعرفه، چاپ اول ۱۹۸۰م.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه ابن خلدون، دارالفکر و ترجمه پروین گنابادی، تهران ۱۳۸۵ هـ.ش.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی، سعدالسعود، قم، انتشارات دلیل، چاپ اول، ۱۴۲۱هـ.ق
۶. استادی، رضا، آشنایی با تفاسیر قرآن مجید و مفسران، نشر مؤسسه در راه حق، ۱۳۷۷هـ.ش
۷. ادنه وی، احمدین محمد، طبقات المفسرین، مدینه، مکتبه العلوم و الحکم المدینه، چاپ اول ۱۴۱۷هـ.ق ۱۹۹۷م.
۸. ابوحجر، احمدعمر، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، دارقتیبه بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۱ م.
۹. امین، السید حسن، اعیان الشیعه، بیروت، دائره‌التعارف للمطبوعات، چاپ پنجم، ۱۴۱۹هـ.ق.
۱۰. اقبال، ابراهیم، فرهنگ‌نامه علوم قرآن، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول ۱۳۸۵هـ.ش.
۱۱. ایازی، محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ هـ.ق.
۱۲. ایازی، محمدعلی، قرآن و تفسیر عصری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۸هـ.ق.
۱۳. بروکلمان، کارل، تاریخ الادب العربی، تحقیق: الدكتور عبدالحمید التجار، مؤسسه دارالکتب الاسلامی، بی‌تا.
۱۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، لبنان، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
۱۵. جاحظ، ابی عثمان عمرو بن بحر، الحيوان، بیروت، داراحیاء التراث العربی چاپ سوم، ۱۳۸۸هـ.ق ۱۹۶۹م.
۱۶. حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون، بیروت، دارصادر، ۱۸۳۵م ترجمه به لاتین: گوستاف فلوگل، لندن.
۱۷. حجتی، سید محمد باقر، تاریخ تفسیر و نحو، ناشر: بنیاد قرآن چاپ اول، دی ماه ۱۳۶۰.
۱۸. خرمشاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، چاپ کیهان، چاپ اول، ۱۳۶۴هـ.ق.
۱۹. خرمشاهی، بهاء‌الدین، هفتاد بحث و تحقیق قرآنی، تهران، مرکز نشر فرهنگی مشرق، چاپ اول ۱۳۷۲.
۲۰. درودی، موسی، نخستین مفسران پارسی‌گوی، انتشارات نور فاطمه، ۱۳۶۲.
۲۱. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، دارالکتب الحدیثه، چاپ دوم، ۱۹۷۶م-۱۳۹۶هـ.ق.
۲۲. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، لبنان، ناشرک داراحیاء التراث العربی، چاپ سوم، بی‌تا.
۲۳. رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الکریم (المنار)، لبنان، دارالفکر، چاپ دوم، بی‌تا.
۲۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، منطلق تفسیر قرآن، قم، چاپ دوم، انتشارات توحید، نوبت دوم ۱۳۸۵هـ.ق.
۲۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، چاپ اسوه، چاپ دوم، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۲۶. رفیعی محمدی، ناصر، تفسیر علمی قرآن، تهران: نشر: فرهنگ گستر، ۱۳۷۹هـ.ش
۲۷. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، چاپ چهارم، ۱۳۷۱هـ.ق.
۲۸. زاجی، ناصر کاظم، الطبرسی و منهجه فی التفسیر للنوعی، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۰هـ.ق.
۲۹. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مآهل العرفان فی علوم القرآن، لبنان، انتشارات دارالکتب العلمیه ۱۹۸۸ م ۱۴۰۹هـ.ق ..
۳۰. زرکلی، خیرالدین، اعلام زرکلی، بیروت، دارالعلم الملايين، چاپ هفتم، ۱۹۸۶ م.
۳۱. زرکلی، محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا
۳۲. زمخشری، محمودبن عمر، کشف، قم، نشر البلاغه، چاپ دوم ۱۴۱۵هـ.ق.
۳۳. سبحانی، جعفر، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلامی، قم، انتشارات توحید، چاپ اول، ۱۳۷۳هـ.ق.
۳۴. سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل و النحل، قم، ناشر: مؤسسه الامام الصادق (ع) ۱۴۲۷ هـ.ق.
۳۵. سبحانی، جعفر، الشیخ الطبرسی امام المفسرین فی القرن السادس، قم، مؤسسه امام صادق (ع) چاپ اول ۱۳۸۲هـ.ش.
۳۶. سزگین، فؤاد، تاریخ نگارش‌های عربی، مؤسسه نشر، به اهتمام خانه کتاب، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۳۷. سلامه، محمدعلی، التفسیر العلمی، قاهره، مکتبه الاداب، بی‌تا.



۳۸. سید قطب، محمد، *فی ظلال القرآن*، دارالشروق، ۱۴۰۰ هـ ق، ۱۹۸۰ م.
۳۹. سیوطی، جلال‌الدین، *الاتقان فی علوم القرآن*؛ تصحیح محمد ابو الفضل ابراهیم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ هـ ش.
۴۰. سیوطی، جلال‌الدین، *الإکلیل فی استنباط التنزیل*، جده، دارالاندلس الخضراء، ۱۴۲۲ هـ ق.
۴۱. سیوطی، جلال‌الدین، *معتبر الاقران فی اعجاز القرآن*، لبنان، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۴۲. سیوطی، جلال‌الدین، *حلبقات المفسرین*، لبنان، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۴۳. شاطبی، ابی اسحاق ابراهیم، *الموافقات فی اصول الاحکام*، دارالفکر للطباعة و النشر، بی تا.
۴۴. شفیع، محمد، *مفسران شیعہ*، تهران، انتشارات: دانشگاه پهلوی، چاپخانه بیست و پنجم شهریور، ۱۳۴۹ هـ ش.
۴۵. شلتوت، شیخ محمود، *تفسیر القرآن الکریم*، تهران، ناشر: المجمع العلمی للتقرب المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۱ هـ ق.
- ۱۳۷۹ هـ ش.
۴۶. صادق الرافعی، مصطفی، *اعجاز القرآن و البلاغه النبویه*، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم بی تا.
۴۷. طباطبائی، محمدحسین، *المیزان لبنان*، بیروت، ناشر مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۱ هـ ق.
۴۸. طباطبائی، محمدحسین، *قرآن در اسلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۴۹. طبرسی، ابوعلی‌الفضل بن الحسن، *تفسیر مجمع‌البیان*، انتشارات دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۳۶۰ هـ ش.
۵۰. طبری، ابی جعفر محمد بن جریر، *جامع‌البیان التاویل آی القرآن (تفسیر طبری)*، لبنان، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـ ق.
۵۱. طنطاوی جوهری، *الجواهر فی تفسیر القرآن*، مشهور به تفسیر طنطاوی، لبنان، دارالاحیاء التراث العربی چاپ چهارم، ۱۴۱۲ هـ ق، ۱۹۹۱ میلادی.
۵۲. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، *تبیان*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۵۳. عبدالمجید، محسن، *الرازی مفسراً*، بغداد، دارالحریه للطباعة، ۱۳۹۴ هـ ق، ۱۹۷۴ م.
۵۴. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، *طبقات مفسرین شیعہ*، ناشر: دفتر نشر نوید اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۱ هـ ق.
۵۵. علوی مهر، حسین، *آشنایی با تاریخ تفسیر و المفسرون*، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ بقیع، چاپ اول، ۱۳۸۴ هـ ق.
۵۶. عمید زنجانی، عباسعلی، *سبانی و روش‌های تفسیر قرآن*، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۶ هـ ش.
۵۷. عانی، داود، *دراسات فی التفسیر و المفسرون*، بغداد، مطبعه الاسد ۱۹۸۷ م.
۵۸. غزالی، محمد، *جواهر القرآن و درره*، لبنان، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ ق.
۵۹. غزالی، محمد، *احیاء علوم‌الدین*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۶۰. کمالی دزفولی، علی، *تاریخ تفسیر*، انتشارات اسوه، چاپ دوم، ۱۳۷۶ هـ ش.
۶۱. کریمیان، حسین، *طبرسی و مجمع‌البیان*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۴۱ هـ ش.
۶۲. کلینی الرازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل‌بیت، با ترجمه سید جواد مصطفوی، بی تا.
۶۳. گل‌دیزپر، ایگناتس، *مذاهب التفسیر الاسلامی*، مطبعه العلوم بشارخ الخلیج، چاپ اول ۱۳۶۳ هـ ش، ۱۹۴۴ م.
۶۴. گل‌دیزپر، ایگناتس، *گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان*، ترجمه ناصر طباطبائی، چاپ شمشاد، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ ش.
۶۵. مجدوب، عبدالعزیز، *الرازی من خلال تفسیره*، تونس، الدار العربیه للکتاب چاپ دوم، بی تا.
۶۶. مجلسی، محمد باقر، *بحارالانوار*، تهران، ناشر: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۳ هـ ق.
۶۷. معرفت، محمدهادی، *التفسیر و المفسرون فی توبه القشیب*، مشهد، ناشر: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ ق، ۱۹۹۸ م.
۶۸. معرفت، محمد هادی، *تفسیر و مفسران*، قم، چاپخانه ستاره، نشر: مؤسسه فرهنگی التمهید، ۱۳۷۹ هـ ش.
۶۹. مشکینی اردبیلی، علی، *تکامل در قرآن*، چاپ: دفتر نشر فرهنگی، بی تا.



۷۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
۷۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر برآیی، قم، سلسله انتشارات: اسلام را بهتر بشناسیم، بی تا.
۷۲. مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، دارالکتب الاسلامی طهران، چاپ دوم، بی تا.
۷۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپخانه مروی، چاپ سی و ششم، ۱۳۷۸ هـ.ق.
۷۴. نوری، حسین، و مفتاح، ترجمه مجمع البیان، انتشارات فراهانی، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۷۵. نوفل، عبدالرزاق، القرآن و العلم الحديث، لبنان ناشر: دارالکتب العربی، چاپ ۱۳۹۳ م.
۷۶. هندی، سید احمدخان، تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان، ترجمه فخر داعی گیلانی، تهران، چاپخانه آفتاب، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۷۷. یاقوت حموی، معجم الادباء، دارالفکر العماد الاصفهانی، چاپ سوم، ۱۴۰۰ هـ.ق.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

سال سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۸۸

